

تجاوز جنسی

چکیده:

تجاوز جنسی از گذشته های دور به عنوان یکی از حربه های جنگی در تحقیر و تذلیل گروه شکست خورده به کار گرفته می شد، حتی بعد از اشاعه و پیشرفت اسلام در قلمرو اسلامی، چنین واقعه ای در تاریخ اسلام به ثبت رسیده است. با توجه به خصوصیات این جرم و انواع آن و همچنین تعریفی که از محاربه در شریعت اسلام وجود دارد، در این مقاله در جستجوی رابطه این دو هستیم. در واقع فرضیه پژوهش این است که تجاوز جنسی با تحقق شرایطی میتواند به عنوان جرم محاربه فارغ از میزان و نوع مجازات آن شناخته شود. بدین ترتیب ساماندهی مطالب بدین صورت است که ابتدا تعریفی از این جرائم ارائه میشود و سپس آثار تجاوز جنسی و شیوه های ارتکاب آن بررسی میگردد.

مقدمه:

تجاوز به عنف یک جرم شناخته شده در سطح داخلی و بین المللی است اما ادله اثبات آن از علم قاضی تا اقرار و شهادت و قسم بسیار سخت است؛ در عین اینکه متجاوز به واقع مرتکب جرم شده است. ولی به ادله اثبات جرم، بزه او ثابت نمی شود و چه بسا مردم به جهت حفظ آبروی شخصی و خانوادگی شان از طرح شکایت صرف نظر می کنند. ارتکاب جرم تجاوز که همواره با نشان دادن ابزار قتل و ارعاب مجنی علیه است؛ به طور معمول عنوان جرم محاربه میشود و چه بسا قاضی می تواند با استناد به وقوع جرم محاربه توسط متجاوز به عنف از ادله اثبات جرم محاربه استفاده کند.

تجاوز جنسی

یکی از راههای متداول در تعریف پدیده های جنایی بالاخص جرائم قانونی، بازشناسی عناصر تشکیل دهنده آنهاست، بدین نحو که به تفکیک اجزای پدیدآورنده جرائم میتوان به تعریفی جامع و مانع دست یافت، با تمهید مراتب فوق، نخست به واکاوی عناصر تجاوز جنسی که همبستگی و تجانس معناداری با عناصر محاربه دارد، میپردازیم.

خشونت در تجاوز جنسی

فرهنگ حقوقی "بلک" خشونت را استفاده نا بجا، غیر قانونی و تعرض آمیز از قدرت تعریف میکند.^۱

در ما نحن فيه خشونت، اجبار غیر قانونی است که علیه آزادی و حقوق عمومی به کار گرفته می شود و در ارتباط با جرائم خشونت آمیز^۲ معطوف به جرائمی است که جنبه فیزیکی یا جنسی بی نهایت شدیدی دارد، وصف مذکور به عنوان ساختار و شاکله جرائم خشونت آمیز، ضروری است، مانند قتل عمد، محاربه، تجاوز جنسی یا کتک زدن و ...

در واقع خشونت آمیز بودن وصفی است که بر تعرضات جسمانی یا جنسی با میشود که باعث به وجود آمدن نوع خاصی از جرائم است^۳، که فرد اجلائی آن تجاوز جنسی است. لذا از این رو که خشونت جنسی شایع ترین نوع خشونت است^۴ بیشتر گریبانگیر زنان یعنی جنس مؤنث است و با توجه به جایگاه زنان در جامعه، مرابت و سطوح مختلفی دارد.

در واقع از جمله مراتب تهدید به ارتکاب اینگونه افعال، میتوان از اجبار و سلب خودسرانه آزادی، خواه در زندگی خصوصی یا عمومی نام برد. بر این اساس، خشونت علیه زنان موارد زیر را در بر می گیرد ولی به آنها محدود نمیشود.

۱- خشونت جنسی که درونه خانواده روی میدهد.

سؤ استفاده جنسی از کودکان دختر، خشونت جنسی توسط شوهر، تجاوز جنسی پدر نسبت به دختر، همچنین خشونت توسط کسانی غیر از همسر و خشونتی که به استثمار جنسی مرتبط است.

۲- خشونت جنسی که در درون اجتماع متوجه زنان است؛

از جمله تجاوز به عنف، سؤ استفاده جنسی، آزار رسانی و ارباب جنسی در محل کار، در نهادهای آموزشی و اماکن دیگر، قاچاق زنان و روسپیگری تحمیلی. علاوه بر این مواردی چون عقیم سازی و سقط جنین تحمیلی کاربرد اجباری و تحمیلی داروهای جلوگیری از آبستنی، کشتن نوزادان دختر و جنسیت گزینی پیش از زایمان، مواردی از بستر سازی وقوع خشونت جنسی توسط نهادهای دولتی است که از نظر قانونی این اقدامات را مجاز می شمارند.^۵

2- Violent offence

^۲ - معتمدی مهر، مهدی، «حمایت از زنان در برابر خشونت در سیاست جنایی انگلستان»، انتشارات برگ زیتون، چاپ اول، تهران ۱۳۸۰، ص ۱۷.

4- Lese man, I. (2005). Sexual abuse history: prevalence, health effect, mediators, and psychological treatment. Journal of psychosomatic medicine, 6, 906-915.

^۵ - معتمدی فر، مهدی، همان، ص ۱۹.

عدم رضایت در تجاوز جنسی

عنوان تجاوز که خود مبین قهر و غلبه است؛ عنصر عدم رضایت قربانی را در خود مستتر دارد، رضایت فرد به عنوان طیب خاطر و رضای کامل باطن در تجاوز جنسی نادیده گرفته میشود. در واقع رضایت، توافق آزادانه فرد برای برقراری رابطه جنسی است که خود مراتب و سطوحی دارد، از این رو میتوان رضایت را مفهومی تدریجی دانست که به محض عدم وجود آن در هر مرحله، عنوان تجاوز، مصادق پیدا کند. در واقع عنصر فوق مکمل و متمم عنصر پیشین است زیرا در برخی موارد متجاوز با استفاده از فریب و حيله یا تهدید قربانی^۶ بدون اعمال خشونت فیزیکی مبادرت به تجاوز می نماید و گاهی نیز با استفاده از ماده بیهوشی یا خواب آور اقدام به چنین عملی میکند، که در همه موارد پیش گفته علی رغم عدم به کارگیری خشونت، رضایت قربانی نادیده گرفته شده است. پس از بررسی دو عنصر اساسی در تحقق تعریف تجاوز جنسی می توان تعریفی از این جرم ارائه داد، البته پیش از ارائه تعریف باید متذکر شد که عنوان تجاوز جنسی در سیاهه قوانین کیفری ایران شناخته شده نیست و این نوع جرم یا در زمره زنای به عنف جا میگردد یا لواط به عنف، لیکن با توجه به اسناد بین المللی می توان گفت: «تجاوز جنسی عبارت است از برقراری رابطه جنسی (به معنای دخول) با فرد دیگر به صورت قهرآمیز یا بدون رضایت او»^۷

بدین ترتیب بر مبنای تعریف فوق، انواع تجاوز عبارت است از: تجاوز مرد به مرد، مرد به زن، که البته این انواع فارغ از شیوه های ارتکاب آن است که می تواند گروهی یا فردی، خانوادگی و قبیله ای باشد.

ایراد صدمه به امنیت اخلاقی و سیاسی جامعه

امنیت اجتماعی^۸ را میتوان «مصون بودن و فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات و اقدامات خلاف قانون، شخص، گروه یا دولت»^۹ تعریف کرد و امنیت اجتماعی خصوص زنان را نیز این گونه تعریف کرد که منظور، مصون بودن و فراغت زنان از هرگونه تهدیدات و خطراتی که از جانب مردان متوجه آنان است. یکی از مهمترین پیامدهای تجاوز جنسی، کاهش امنیت اجتماعی است. زنان که مهمترین قربانیان تجاوز جنسی

^۶ - ماده ۴ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند- مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶- در این رابطه اذعان می‌دارد: «هرکس با سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید، به مجازات زنای به عنف حکم می شود ولی اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مشمول حد باشد حد مزبور بر وی جاری میگردد و رد صورتی که مشمول تعزیر باشد. به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.»

^۷ - در تعریف فیهی از زنای به عنف که یکی از انواع تجاوز جنسی است آمده: «و هو ایلاج ای ادخال اذکر البالغ لی فرج امراه، بل مطلق انثی قبلاً او دُبِراً محرمة علیه من غیر عقد مکح بینهما و لا شبهه موجبہ لا اعتقاد الحل قدر الحشفه یتحقق قدرها بابالاجها نفسها، او ایلاج قدرها من مقطوعها و ان کان تناولها لاول لا یخلو من تکلف فی حاله کون المولج عالماً بالتحريم مختاراً لی فعل.» (الجبلی العاملی، الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، دارالعالم السلامی، بیروت، ج ۹، ص ۱۴).

8-Social security

^۹ - آقا بخشی، علی، افشاری راد، مینو(۱۳۸۳) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، ص ۴۳.

هستند در جامعه همیشه دچار اضطراب و ترس‌هایی چون تنها بیرون رفتن در شب، تنها ماندن در خانه و ... هستند که نشان دهنده احساس عدم امنیت اجتماعی برای زنان است. احساس عدم امنیت اجتماعی و اضطراب از تنها ماندن در خانه و نشان از وجود ترس و واهمه ای است که از انتشار اخبار مربوط به تجاوزات جنسی به وجود آمده است.^{۱۰} بنابراین امنیت اجتماعی که مفهومی بسیط است در مصادیقی تجلی می‌یابد، که معمولاً قربانیان تجاوز جنسی از آن واهمه دارند. مواردی مانند آسودگی خاطر بانوان شاغل از حضور در عرصه اجتماع و اشتغال در محل خدمت و آرامش خیال والدین از تردد فرزندان‌شان در جامعه.

از سوی دیگر یکی از مهمترین پیامدهای تجاوز جنسی که به شدت امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد، ضرورت مهم بقای نسل و حفظ سلامت آن است. یک جامعه که براساس ارزشهای خود، برای باروری و تولید نسل، یک خط مشی مشخص دارد، با وقوع تجاوز جنسی، اصلی‌ترین این برنامه‌ها که در مورد ساختن افراد این جامعه است بر هم می‌خورد. با نگاهی به تحولات جوامع بالاخص در برخورد با جوامع دیگر میتوان آسیب‌هایی که با تجاوز جنسی به جامعه وارد میشود را در اتخاذ یک تاکتیک جنگی برای از پا درآوردن آن جامعه، مخصوصاً در مخاصمات و درگیری‌ها دانست.^{۱۱}

حتی با نگاهی به تاریخ میتوان یک دید کالانگرا به زن را در یونان قدیم یافت؛ آنان این جنایت را به عنوان رفتار مورد قبول اجتماعی در قواعد جنگ در نظر می‌گرفتند، زنان غنیمت جنگی مشروع و قانونی ارزشمند، به عنوان همسر، کنیز، کارگر با جایزه بودند، همچنین در اروپا در طی قرون وسطی اگر شهری در جنگ شکست می‌خورد سربازان اجازه داشتند به زنان تجاوز کنند تا ضمن ارباب و تحقیر کردن مردان آن جامعه، هرچه سریعتر در جهت انقیاد آنان گام بردارند.^{۱۲}

امروزه نیز علی‌رغم این همه رشد و پیشرفت تکنولوژی و نظریه پردازی در حیطه اخلاق و سخن پراکنی در حوزه حقوق بشر، بازهم شاهد کاربرد چنین ابزار کثیفی برای مبارزه با حیثیت یک جامعه هستیم. لیکن تفاوت، تنها در تفوریزه شدن این ابزار است. اگر در جنگهای قدیم، سربازان از روی غریزه جنسی یا هر دلیل دیگر اقدام به این عمل شینع می‌کردند، امروزه به عنوان یک سیاست و برنامه ریزی سیستماتیک با اهدافی چون تغییر نسل، استخفاف جامعه و مجبور کردن حریف به قبول شکست، این اقدام صورت می‌گیرد.^{۱۳}

^{۱۰}- عارفی، مرضیه، (۱۳۸۲) بررسی توصیف خشونت خانوادگی علیه زنان در ارومیه مجله مطالعات زنان، سال اول شماره ۲، ص ۱۳۲.
11- Mary Deusch Schneider, "Woman, War&Darfur: Implementing sept. 2006 see 30: &Expanding Gender Violence Justice"http://terra.rezo net/article497.html
^{۱۲}- خاک، روناک، «جرم انگاری تجاوز جنسی در حقو بین المللی کیفری» مجله حقوق بین المللی، سال یست و پنجم شماره ۳۹، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱.

^{۱۳}- در جنگ ویتنام ای روش به صورت بسیار گسترده ای اجرا شد. به طوری که یکی از تمرینات آموزشی ارتش آمریکا در جنگ ویتنام این بود: "این تفنگ من است (سرباز آمریکایی تفنگ ام-۱۶ را بالا می‌گیرد)، این اسلحه من است (دستش را به روی آلت تناسلی اش می-گذارد) یکی برای کشتن و دیگری برای لذت بردن. در جنگ صربها در بوسنی و هرزگوین، طی سلاهی ۱۹۹۴-۱۹۹۱ بیش از ۲۰۰۰۰ زن و دختر مسلمان به شکل وحشیانه و سازماندهی شده، در سطح بسیار وسیع مورد تجاوز واقع شدند تا اولاً مردم بوسنیایی دچار رعب و وحشت شده و سرزمین اجدادی خود را رها سازند و ثانیاً ناموس آنان حامله شده و اطفال صرب به دنیا آورند و نسل جدیدی درست کنند که

فلذاست که شورای امنیت سازمان ملل با بیان اینکه تجاوز جنسی دیگر محصول جانبی جنگ نیست و به یک تاکتیک نظامی تبدیل شده است، از دولتهای درگیر درخواست می کند تا به خشونت علیه زنان خاتمه دهد.^{۱۴} و در جهت تحقق این هدف قطعنامه ای به تصویب رساند که بحث ممانعت از وقوع تجاوزات جنسی مؤثر بود. در نشستی که در شورای امنیت سازمان ملل برگزار شد، از یوگسلاوی سابق، منطقه ای دارفور سودان، جمهوری دموکراتیک کنگو، رواندا و لیبریا به عنوان مناطق جنگی که خشونت های جنسی تعمدی در آنها به میزان زیاد رخ می دهد نام برده شد. همچنین در این نشست مقامات رسمی سازمان ملل اعلام کردند: «این مشکل در حال حاضر در شرق کنگو بسیار حاد شده است. با این حال نظر سنجی اخیر از ۲۰۰۰ زن و دختر در لیبریا نشان داد که ۷۵ درصد از آنها در خلال جنگ داخلی این کشور به طرز وحشیانه و تحقیر آمیز، مورد تجاوز قرار گرفتند.»

بدین ترتیب در قطعنامه ای که با اتفاق آرا به تصویب شورای امنیت رسید، خشونتهای جنسی یک تاکتیک جنگی به منظور تحقیر تسلط، تلقین ترس، تجزیه یا استقرار اجباری اعضای یک جامعه یا گروه قومی خوانده شد. این قطعنامه می افزاید: «خشونتها میتوانند به طور قابل توجهی وضعیت درگیریهای مسلحانه را وخیمتر نمایند و ممکن است مانع استقرار صلح و امنیت بین المللی و حفظ کرامت و شأن انسانی غیر نظامیان شوند. قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل از گروههای درگیر میخواهد تا برای حفاظت از غیر نظامیان در برابر خشونت های جنسی فوراً اقدام کنند و می افزاید: «چنین جرائمی باید از عفو عمومی پس از جنگ کنار گذاشته شوند. این قطعنامه هشدار می دهد که شورای امنیت علیه گروههایی که چنین جرائمی را مرتکب میشوند اقدام ویژه ای انجام خواهد داد و علیه آنها تحریمهایی را تجدید یا تحمیل خواهد کرد.» حال که یک شمای کلی از جرم تجاوز جنسی ترسیم گردید به بررسی عناصر جرم محاربه و رابطه آن با تجاوز جنسی می پردازیم.

از مسلمین نباشد در سرزمین فلسطین اشغالی برای بیرون راندن فلسطینیها از سرزمینشان فجایع بسیار زننده ای در دبریا سین (۹ آوریل ۱۹۴۸) به وقوع پیوسته است و بسیاری از زنان فلسطینی بعد از تجاوز به طرز فجیعی به قتل رسیده اند. چنانچه زفی انکوری اعتراف کرده است که: «من در آن تاریخ وارد ۶ یا ۷ خانه شدم، دیدم که اعضای تناسلی زنان و امعاء و احشاء آنها قطعه قطعه شده و مباحثراً به قتل رسیده اند.» (جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به رمضان نرگسی، رضا، «تجاوز و بزه دیدگی زنان» فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۲) ^{۱۴} - بان کی مون دبیر کل سازمان ملل، خطاب به ۱۵ کشور عضو شورای امنیت: «این مشکل در برخی جوامع که در تلاش برای رهایی از درگیری ها هستند به ابعاد همه جانبه و وحشتناکی رسیده است.»

مجازات زنا در قانون مجازات اسلامی جدید

هرچند در قانون ایران برای متجاوز جنسی مجازات اعدام در نظر گرفته شده است، ولی در حقیقت این نوع مجازات و تعریف حدود تجاوز جنسی موجب شده تا در عمل صرفاً مرتکب های تجاوزهای گروهی و سازمان یافته، به مجازات محکوم شوند. به این دلیل مهم ترین تغییر قانونی که می تواند منجر به پیشگیری اجتماعی و فردی از این جرم شود، اصلاح مجازات زنا به عنف و پذیرش نظام درجه بندی مجازات است. در قانون جدید علی رغم نظرات کارشناسان و عدم منع فقهی، اصلاح قانون در این زمینه مورد توجه قرار نگرفت.

در اصلاحات صورت گرفته با توجه به تبصره دوم ماده ۲۲۵، دایره تعریف تجاوز جنسی تا حدودی گسترده شده است. در این ماده بیان شده است: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد، در حال بی هوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن، اگرچه موجب تسلیم شدن او شود، نیز حکم فوق جاری است.»

مهم ترین نکته مثبت این ماده آن است که علاوه بر اکراه و اجبار، فریب دادن اطفال نابالغ نیز از جمله عناصر مادی جرم تجاوز جنسی محسوب شده و در حقیقت دایره حمایت از اطفال در برابر تجاوزات جنسی را گسترش داده است. هر چند متأسفانه با توجه به آنکه سن بلوغ قانونی در دختران ۹ سال است، این حمایت دایره سنی محدودی را در بر می گیرد. همچنین به تشکیک در نظرات فقهی در خصوص مفهوم اکراه و عنف پاسخ داده و آن را شامل حالت خواب، بیهوشی و مستی نیز دانسته است. نکته قابل توجه دیگر در اصلاحات صورت گرفته، در نظر گرفتن خسارت های مادی تحت عنوان «مهرالمثل» و «ارش البکاره» برای زنی است که مورد تجاوز قرار می گیرد. در قانون قبلی این خسارت صرفاً برای ازاله بکارت مطرح بود. البته به نظر می آید پرداخت این نوع خسارت مادی از سوی متجاوز به بزه دیده جنسی با کرامت انسانی زنان همخوانی نداشته و بهتر باشد قانونگذار برای حمایت از قربانیان تجاوز، به پیش بینی نهادهای حمایتی بپردازد.

پایان